فساكتبها للذين يتقون فهي مفيدة موجبة بشروط من اعمال واحوال

پس زود که خواهم نوشت آن را برای آنانکه متقی اند پس آن رحمت مقیده موجبه بشروط است از اعمال و احوال

وغيرهما اراد الشيخ رضي الله عنه ان يشير اليهما فقال ومن الناس

و غیر آنها اراده شیخ رضی الله عنه آنکه اشاره کند بسوی آن هر دو پس فرمود از مردم

من نال الرحمة واصابها من عين المنة ومحض الفضل من غير سابقة

که یافت رحمت را و رسید آن را از عین منت و محض فضل از غیر سابقه

فعل يوجبها او صدور عمل يجلبها بل بها يحصل القدرة على كل

فعل که موجب باشد آن را یا صدور عملیکه بسوی خود کشد آن را بلکه بآن رحمت امتنانیه حاصل میشود قدرت بر جمیع

الافعال والتمكن من جميع الاعمال ومنهم اي من الناس من نالها

افعال و تمکن از همه اعمال و از ایشان است ای از مردم کسیکه رسیده است آن را

اي الرحمة من حيث الوجوب اي من جهة وجوبها على الله بايجابه

ای رحمت فایضه را از حیثیت وجوب ای از جهت وجوب آن بر خدا بسبب واجب گردانیدن خدا

اياها على نفسه في مقابلة اعماله التي كلفه بها مجازاة له وعوضا عن عمله

آن را بر نفس خود در مقابله اعمال بنده که تکلیف داده است او را بآن اعمال برای جزا دادن مر او را در بدل عوض از عمل

ولكن ذلك على سبيل الامتنان فان العبد يجب عليه طاعة سيده

ولیکن آن بر سبیل منت نهادن است زیرا که بدرستیکه بنده را واجب است بردی طاعت سید او

والاتيان باوامره فاذا اوجب السيد على نفسه شيئا في مقابلة

و آمدن باوامر او پس هرگاهیکه واجب کرد سید بر نفس خود چیزی را در مقابله

اعماله يكون ذلك رحمة وامتنانا منه عليه والى ذلك اشار الشيخ رضي الله

اعمال او می باشد آن رحمت و امتنان از سید بر بنده و بسوی آن اشاره فرمود شیخ رضی الله

عنه

عنه بقوله ونال بسبب حصولها اي سبب حصول الرحمة الوجوبية الذي

عنه بقول خود و رسید سبب حصول آن را ای سبب حصول رحمت وجوبیه که آن

هو ذلك الايجاب من عين المنة فانه ليس في مقابلة عمل والجزاء فعال

آن ایجاب است از عین منت پس بدرستیکه آن نیست در مقابله عمل و نه جزای فعل است

ويحتمل ان يراد بسبب حصولها اعمال العبد وافعاله فان التمكين والاقدام

و احتمال است که مراد باشد بسبب حصول آنها اعمال بنده و افعال او زیرا که بدرستیکه تمکین و قدرت دادن

عليها بل ايجادها فيه من الرحمة الامتنانية ايضا واما العبد المنفي الذي

بران بلکه ایجاد آنها درو از رحمت امتنانیه است هم و هر گاهیکه باشد بنده متقی که

كتب له الله سبحانه على نفسه الرحمة كما قال الله تعالى فساكتبها للذين

نوشته است برای او الله سبحانه بر نفس خود رحمت را چنانچه فرمود الله تعالی پس زود است که خواهم نوشت آن را برای

يتقون فله حالان احدهما حال يكون ذلك العبد المتقي فيه اي في ذلك

متقی اند پس آن عبد را دو حال اند یکی حالیکه می باشد آن بنده متقی در آن حال

الحال وقاية لله تعالى اي اتخذ نفسه وقاية يتقي بها الله سبحانه وتعالى

حال وقایه یعنی پناه مر الله تعالی را ای گرفته است نفس خود را وقایه که نگاه میدارد بآن الله سبحانه و تعالی

من نسبة المذام والنقايص اليه فانه يضيفها الى نفسه لا اليه كما

از نسبت مذام و نقایص بسوی او زیرا که بدرستیکه عبد منسوب میکند آنها را بسوی نفس خود نه بسوی الله تعالی

يقتضيه التحقيق اذ المذام والنقايص والقبايح كلها احكام العدم

اقتضا میکند آن را تحقیق زیرا که مذام و نقایص و قبایح همه احکام عدم اند

اللازم للعبد الممكن القابل واليه الاشارة بقوله عليه السلام

که لازم است عدم مر عبد ممکن قابل را و بسوی آن اشاره است بقول او علیه السلام

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)